## فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428574360)

[ناامیدی امام حسین (ع) از رفتن به کوفه 2](#_Toc428574361)

[وضع نابسامان کوفه 2](#_Toc428574362)

[سست‌عنصری مسلمانان کوفه 3](#_Toc428574363)

[اقدام امام حسین (ع) بعد از شنیدن خبر مسلم 3](#_Toc428574364)

[برخورد با حر در مسیر حرکت 4](#_Toc428574365)

[رها کردن همراهان امام حسین در مسیر راه 4](#_Toc428574366)

[لحظات عمر انسان، لحظات آزمون 4](#_Toc428574367)

[فرستادن شمر به کربلا 4](#_Toc428574368)

[تصمیم و اقدامات امام حسین در کربلا 5](#_Toc428574369)

[خطبه‌های امام حسین (ع) قبل از عاشورا 5](#_Toc428574370)

[شروع جنگ در روز عاشورا 6](#_Toc428574371)

[شهادت مظلومانه امام حسین (ع) 6](#_Toc428574372)

[خطبه دوم 7](#_Toc428574373)

[سالروز شهادت آیت‌الله بهشتی 7](#_Toc428574374)

[بوسنی و هرزگوین 8](#_Toc428574375)

[امربه‌معروف و نهی از منکر 9](#_Toc428574376)

[نکات و توصیه‌هایی پیرامون ایام عزاداری 9](#_Toc428574377)

[دعا 10](#_Toc428574378)

## خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## ناامیدی امام حسین (ع) از رفتن به کوفه

در زمان‌های قدیم در بین راه هرچند فرسخی یکجایی برای استراحت بود که به آن‌ها منازل بین راه می‌گفتند، امام حسین (ع) که از مکه به سمت کوفه حرکت کردند از این منزل‌ها می‌گذرند، در تاریخ حدود ده تا از این منازل ثبت‌شده است، حضرت که در مکه بود نامه‌ها رسید و حضرت مسلم را به عنوان نماینده خودش اعزام کرد، روز هشتم ذی‌الحجه هم همه کسانی که می‌خواستند همراه امام حرکت کنند به راه افتادند.

در منزل ثعلبیه که یکی از منازل و استراحتگاه‌های میان راه مکه و کوفه بود حضرت دید که یکی دو نفر از دور می‌آیند و ظاهراً خبری دارند، پیکی رسید و به حضرت گفت که من خبر ناگواری دارم، آیا آن را به صورت خصوصی به شما عرض کنم یا جلوی اصحاب بگویم؟ حضرت فرمود: نه، ما هیچ‌چیز مخفی نداریم، همین جا بگو، پیک گفت: مسلم و هانی به شهادت رسیدند، کوفه را تسخیر کردند و با وضع فجیع نماینده شما را به شهادت رساندند. از ثعلبیه به بعد قضیه عوض شد و مرحله جدیدی آغاز شد.

## وضع نابسامان کوفه

کوفه تسخیر شد، مسلم و هانی با شدیدترین وضع به شهادت رسیدند و دیگر امیدی نیست، از آن‌طرف عبیدالله ابن زیاد از طرف یزید وارد کوفه شده بود، راه‌های ورودی و خروجی آنجا را بست و مأمور شد که هرکسی را با اندک بدبینی بکشد و هیچ مهلتی ندهد، با کمال شدت رفتار کند، او سران قبائل را کشت و محاصره بسیار قوی را در کوفه برگزار کرد، یک عده از آن‌هایی که اکثریت هم بودند دلشان همراه امام حسین بودند ولی اهل فداکاری و مقابله با ظالم نبودند.

## سست‌عنصری مسلمانان کوفه

پیک به امام حسین (ع) گفت که من مردمی دیدم که **«قُلُوبُهُم مَعَک وَ سُیُوفُهُم عَلَیک**»[[3]](#footnote-3) در دلشان می‌دانستند که تو حق هستی، نامه‌هایی هم که نوشته‌اند بر اساس عقیده واقعی خودشان بود به اینکه آن کسی که شایسته خلافت و امامت در جامعه است حسین است اما شمشیرها به روی تو است، مردمی که عظمت امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین را درک کرده‌اند، شامی‌ها این‌ها را درست نمی‌شناختند چون از مکه و مدینه و مقر حکومت اسلامی دور بودند اما اهل کوفه همه این‌ها را می‌دانستند اما به خاطر سست‌عنصری، ترس، وحشت، طمع در دنیا و فروافتادن در هواهای نفس این‌طور بودند. شمشیر همراه دل نیست، دل همراه حق است و آن را می‌فهمد اما دست و زور بازو و قدرت در اختیار شیطان و یزید و عبیدالله است.

## اقدام امام حسین (ع) بعد از شنیدن خبر مسلم

حضرت در منزل ثعلبیه به آل عقیل و خویشان مسلم که در آنجا بودند فرمود: «نظر شما چیست؟ مسلم به شهادت رسیده است، چه باید کرد؟» می‌خواست آن‌ها را امتحان بکند و ببیند که چه می‌گویند، آن‌ها جواب دادند: «ما هرگز تو را رها نمی‌کنیم و همراه تو هستیم تا اینکه مرگ را بچشیم.» حضرت در همان‌جا خطبه‌ای خواندند که چند جمله آن در تاریخ ثبت‌شده است، **«فَإنَّهُ قَدْ أتانَا خَبَرٌ فَظیعٌ قَتْلُ مُسلِمِ بْنِ عَقیل وَ هَانِی بْنِ عُروَة وَ عَبدُاللهِ بْنِ یَقْطُرُ و قَدْ خَذَلَتْنَا شیعَتُنا»[[4]](#footnote-4)** بعد از اینکه خدا را ستایش می‌کند و بر حضرت محمد ابن عبدالله (ص) درود می‌فرستد می‌فرماید: مردم یک خبر ناگواری به من رسیده است، مسلم و هانی و عبدالله ابن یقطر به شهادت رسیده‌اند و شیعیان ما را رها کردند و کوفه از دست نماینده ما بیرون رفت.

حضرت رسماً خط شهادت را اعلام می‌کند، «**فَمَنْ أحَبَّ مِنْکُم الإنْصِراف فَلْیَنْصَرِفْ**  **فی غَیرِ حَرَجٍ و** **لیس علیه منا ذمام»[[5]](#footnote-5)** هر کس می‌خواهد برود من هیچ بیعتی بر گردن او ندارم، بدون ناراحتی آرام برود، دیگر خبری از حکومت نیست، راه، راه شهادت است و اصحاب باید آماده شهادت بشوند، با این اعلام مرحله جدید سفر اباعبدالله شروع می‌شود.

## برخورد با حر در مسیر حرکت

در منزلگاه بعدی حر و هزار نفر لشکر می‌رسند، مأموریت آن‌ها این بود که امام حسین را به کوفه ببرند و همان‌جا تسلیم عبیدالله ابن زیاد بکنند، لشکر حر وقتی‌که رسیدند خیلی تشنه بودند، آب هم در دست لشکر امام حسین بود، حضرت فرمودند که این‌ها را خوب سیراب بکنید، به خودشان و به اسب‌هایشان به حد کفاف آب بدهید.

سپس گفتگوهای مفصلی باهم کردند، وقت نماز بود، حضرت فرمود: چه کسی نماز بخواند؟ گفتند شما نماز بخوان و لشکر حر هم به حضرت اقتداء کردند و بعد از نماز حضرت خطبه‌ای را خواندند و به مردم گفتند که شما خودتان نامه نوشتید و طومارها و نامه‌های شما مرا به اینجا کشاند، الآن هم اگر واقعاً دست از آن بیعت برداشته‌اید من را آزاد بگذارید که هر جا می‌خواهم بروم، چرا می‌خواهید مرا به کوفه ببرید؟ حر اصرار داشت که حضرت را به کوفه ببرد ولی حضرت گفتند من این کار را نمی‌کنم.

## رها کردن همراهان امام حسین در مسیر راه

حضرت منزل‌به‌منزل حرکت می‌کند و تعداد زیادی از کسانی که از مکه در آن سه چهار ماه به امید دنیا و طمع دنیا به امام حسین ملحق شده بودند آرام‌آرام اباعبدالله الحسین را رها می‌کنند، این‌ها لحظه‌های حساس امتحان است که در تاریخ پیش می‌آید و چقدر هم عجیب است، آن خیل جمعیتی که از مکه یا در بین راه به خاطر حکومت در کوفه به حضرت ملحق شده بودند سست عنصرها و دل‌بسته‌های دنیا بودند که یکی پس از دیگری امام حسین را تنها گذاشتند.

## لحظات عمر انسان، لحظات آزمون

حری که مقابل امام حسین آمد و او را تا کربلا همراهی کرد خوش‌عاقبت می‌شود و در زمره اصحاب امام حسین (ع) درمی‌آید، این برای من و شما درس است که هیچ‌وقت از عاقبت امر خودمان و از آزمون‌هایی که برای ما پیش خواهد آمد غافل نباشیم، این نکته مهمی است که با لحظه‌لحظه عمر ما ارتباط دارد، لحظات عمر ما لحظات آزمون و امتحان است، ممکن است خیلی خوب بودیم اما با یک خطا و لغزش از آن صراط مستقیم بیرون برویم و ممکن است که کسی تصمیم بگیرد که از بدی‌ها برگردد و خدا توبه او را قبول بکند.

## فرستادن شمر به کربلا

حر معمولاً سعی می‌کرد که بین امام حسین و عبیدالله ابن زیاد مصالحه بدهد، حتی عمر سعد هم همین‌طور بود، از ابتدا هم نامه‌ای نوشت که ما با امام حسین می‌توانیم به توافق برسیم و نحوه آن را هم نوشت و وقتی عبیدالله نامه را دید گفت این نامه مشفقی است و بر اساس این کارها حل می‌شود، شمر در همان مجلس نشسته بود بلند شد و گفت نه، الآن وقتش است، امام حسین ویارانش در قبضه تو هستند، حالا وقت مصالحه نیست، باید کار را تمام کرد. این کینه چندساله‌ای است که کفار و خاندان بنی‌امیه از خاندان پاک اهل‌بیت داشتند.

این را که گفت نظر عبیدالله عوض شد و گفت به طرف کربلا حرکت کن، شمر که به کربلا می‌رسد مشخص می‌شود که همه راه‌های مصالحه بسته‌شده است.

## تصمیم و اقدامات امام حسین در کربلا

 امام حسین در چند جا گفته بودند که این‌ها دست از سر من برنمی‌دارند و بعد فرمودند چرا خودمان مردانه به میدان شهادت نرویم، اگر دشمن جز به شهادت او حاضر نمی‌شود پس باید شهادتی را ترتیب داد و مقدماتی را چید که با آن کمر دشمن بشکند و نقشه طولانی و درازمدت خاندان بنی‌امیه بر محو شعائر و احکام اسلام را نقش بر آب بکند.

تا روز تاسوعا هم گاهی مذاکراتی ردوبدل می‌شد ولی روشن بود که به جایی نمی‌رسد و حتی عصر روز تاسوعا از لشکر بنی‌امیه به طرف آن‌ها تیراندازی کردند و بعد متوقف شد، امام حسین حضرت ابوالفضل العباس را فرستادند برای اینکه یک شب مهلت بگیرد، حضرت فرمود من با قرآن و دعا و نیایش انس دارم، یک شب برای حضرت مهلت دادند و هنوز هم امید داشتند که در آن یک شب تسلیم بشوند، به‌هرحال آن شب، شب نماز، یاد خدا و ذکر الله بود و تعدادی هم مشغول محیا شدن جنگ فردا بودند.

علیرغم اینکه برای همه کاملاً واضح بود که مسیر آن‌ها مسیر شهادت است و فردا همه به خاک و خون خواهند تپید ولی درعین‌حال برنامه‌ریزی دقیق و منظمی داشت، بعد از یک شب با طراوت و معنویت صبح عاشورا نماز صبح را خواندند، بعد از نماز حضرت لشکر را آرایش داد، از پشت خیمه‌ها هم خندقی کنده بودند و آن خندق‌ها را پر از هیزم کرده بودند و آن را آتش زدند که لشکر از پشت به زن و بچه‌ها حمله نکند.

## خطبه‌های امام حسین (ع) قبل از عاشورا

سخنانی که از حضرت ثبت‌شده و در تاریخ باقیمانده است از همان وقتی‌که در مکه بودند، در بین راه بودند و خطبه‌هایی که در آنجا خواندند، خطبه‌هایی که در خود کربلا خواندند هر کدامشان واقعاً درس بزرگی برای ما است، «**أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَایعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَایتَنَاهَی عَنْهُ»[[6]](#footnote-6)،** آیا نمی‌بینید که چه کسی حاکم است؟ نمی‌بینید که معروف در جامعه به زمین نهاده شده است و منکرات رواج پیداکرده است؟ آیا نمی‌بینید که یزید که فرزند فسق و فجور و دور از معارف و معنویت اسلام است بر جامعه حاکم است؟ ما برای حکومت و ریاست خارج نشدیم، ما می‌خواهیم معالم دین و سیره پیامبر را زنده بکنیم.

**«أَلَا وَإنَّ الدَّعِی ابْنَ الدَّعِی قَدْ رَکزَ بَینَ اثْنَتَینِ: الذِّلَّه وَ السِّلَّه؛ هَیهَاتَ مِنَّا الذِّلَّه، یأْبَی اللَهُ ذَلِک لَنَا وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ»[[7]](#footnote-7)** آن‌ها ما را به تسلیم در برابر کفر و نفاق بنی‌امیه می‌خوانند، خدا برای ما این تسلیم و ذلت را نمی‌پسندد، پیامبر خدا و مؤمنین این تسلیم را نمی‌پذیرند و دامن‌های پاکی که ما را پرورش داده است از این ابا دارند.

## شروع جنگ در روز عاشورا

صبح عاشورا جنگ شروع می‌شود، اصحاب اجازه نمی‌دهند که از اهل‌بیت کسی به جنگ برود و ابتدا از غیر از اهل‌بیت می‌روند، فداکاری‌ها می‌کنند، جوان‌هایی که در صحنه عاشورا بودند واقعاً یک درس و الگوی بزرگی برای جوان‌های جامعه امروز هستند، جوان‌هایی که آن طور تربیت الهی شده بودند که در برابر باطل تسلیم نمی‌شوند و هر وقت امام حسین فرمود شما آزاد هستید و بروید جوان‌ها و حتی کودکان کم سن و سال بلند می‌‌‌شوند و می‌گویند ما تا آخر پای تو ایستاده‌ایم.

زن‌هایی که در حادثه کربلا بودند، زنی که در آن حادثه با آن وضع به شهادت رسید الگوهایی برای زنان جامعه ما هستند، این‌ها به شهادت می‌رسیدند، نوبت به اصحاب می‌رسد، علی‌اکبر، قاسم و اصحاب یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسد.

## شهادت مظلومانه امام حسین (ع)

بعد از همه این شهادت‌ها لحظه تنهایی اباعبدالله فرامی‌رسد، یک‌وقت حضرت از شدت تشنگی حمله‌ای کرد که به طرف فرات برود، آن‌ها فریاد زدند: **« حُولُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَاء »[[8]](#footnote-8)،** نگذارید که حسین دستش به آب فرات برسد، و بعد دستور دادند که تیراندازها تیرهای خودشان را به سمت حضرت رها بکنند، آن لحظات آخر زینب (س) بیرون می‌آید و می‌گوید آیا نمی‌بینید که پسر پیغمبر دارد به شهادت می‌رسد و چرا این وضع را به وجود آوردید؟

حضرت با جراحت می‌رود که آخرین وداع را با بچه‌ها بکند، قضیه وداع از لحظه‌های جان‌گداز کربلا است، حضرت وداع می‌کند و به طرف لشکر می‌آید و حمله‌های جانانه‌ای به لشکر می‌کند و بعد آن‌ها دستور می‌دهند که همه باهم به اباعبدالله حمله بکنند، یک‌وقت یک تیر به پیشانی حضرت برخورد کرد و خون جاری شد، چشمان حضرت پر از خون شد و دیگر نمی‌توانست ببیند، در تاریخ دارد که حضرت از این جریان به بعد طاقت و توان آن‌که روی پا بایستد را نداشت، روی زانو ایستاد و خواست که پیراهن را بالا ببرد تا خون‌های جلوی چشم را پاک بکند ناگهان یک ملعون قلب حضرت را نشانه گرفت.

**لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلا بِالله اَلعَلِیِّ العَظیمِ** **و سَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنْقَلَبٍ ینْقَلِبُونَ[[9]](#footnote-9)**

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[10]](#footnote-10)**

## خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم**، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین .** اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[11]](#footnote-11)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## سالروز شهادت آیت‌الله بهشتی

هفتم تیر سالروز شهادت آیت‌الله شهید بهشتی (ره) و دیگر یاران ایشان در داستان انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی است که تجدید و یاد این خاطره وسیله‌ای برای درس و عبرت گرفتن برای ما است و خواست دشمن این بود که نگذارد که نظام الهی در این کشور برپا بشود و نگذارد که قوانین اسلام و دستورات اسلام در این کشور حاکم بشود.

از بارزترین شخصیت‌ها که از نوادر روزگار ما بودند با همان هدفی که امام حسین به خاطر آن به شهادت رسید امام را در برنامه‌ریزی برای کشور و طراحی برای انقلاب و سامان دادن به نظام اسلامی در برابر همه توطئه‌ها یاری می‌کرد مرحوم شهید بهشتی بود و واقعاً خودش ملت وامتی بود، آن جامعیت شهید بهشتی، آن علم و تقوای او، آن استقامت و درایت و کفایت سیاسی او و ویژگی‌های دیگری که در او جمع بود از او یک شخصیت فوق‌العاده‌ای ساخته بود.

دشمن در آن روزگار دنبال این بود که نظام ما را تا قضیه بنی‌صدر به نحوی از درون به طرف غرب‌زده‌ها ببرد و طیف‌های عقده‌ای در برابر انقلاب قرار گرفتند و با عزل بنی‌صدر این امیدها نقش بر آب شد و از همان اواخر که معلوم بود جامعه دیگر او را نمی‌پذیرد و شرایط آن شرایطی نیست که غرب‌زده‌ها و مخالفین اسلام بتوانند حکومت بکنند، آن‌ها با استفاده از منافقین یک جریان ترور راه انداختند، در همان مدت شخصیت‌های زیادی به شهادت رسیدند، سه تا از شخصیت‌های برجسته کشور مرحوم شهید بهشتی، مقام معظم رهبری و مقام محترم ریاست جمهوری که از ارکان و استوانه‌های انقلاب بودند در یک خط برنامه‌ریزی‌شده‌ای از طرف آمریکا و عوامل آن‌ها ترور شدند.

البته خدا خواست که مقام معظم رهبری جان سالم به درببرند اما مرحوم شهید بهشتی که واقعاً نادر بود و فکر و تدبیر ایشان سرنوشت‌ساز بود در این قضیه به شهادت رسید، آن شوکی که ابتدا با شهادت مرحوم بهشتی بر جامعه وارد شد شوک عجیبی بود، یک‌دفعه اولین و متفکرترین شخصیت نظام در امور اجرایی با تعدادی از وزیران و نمایندگان مجلس در یک جلسه مهمی به شهادت رسیدند و این یک وضع ملتهب و اضطراب عجیبی در کشور ایجاد کرد.

دشمنان فکر کردند که دیگر جمهوری اسلامی تمام است اما همان صبح جمعیت عظیمی سراسر تهران جمع شدند و از نقاط دیگر کشور هم آمده بودند، این ایمان و استقامت کار خودش را کرد، در آینده هم ما نیاز به نسل جوان، زنان و مردانی داریم که مثل امام حسین اهل استقامت در راه باشند، فریب حیله‌ها و حرف‌های پوچ را نخوردند، افراد و جریان‌ها را بشناسند، ناگهان دزدهای فکر نیایند و فکر آن‌ها را ببرند و آن صراط مستقیمی که با ولایت‌فقیه ترسیم می‌شود را رها نکنند، این همان راهی است که امام حسین به خاطر آن به شهادت رسید.

## بوسنی و هرزگوین

با کمال تأسف در برنامه‌های اخیری که ریختند گفتند که منطقه بوسنی و هرزگوین که منطقه مسلمان‌ها است باید به سه کشور تقسیم بشود، یک قسمت دست کروات‌ها، یک قسمت دست صرب‌ها و یک‌بخشی از آن دست مسلمان‌ها باشد که واقعاً این تقسیم ناعادلانه‌ای است که در دنیای امروز می‌شود و اگر مسلمان‌ها در بوسنی و هرزگوین مقابل این‌ها ایستادگی نکرده بودند مطمئن باشید که آن‌ها اجازه نمی‌دادند که اسم اسلام هم در اروپا باشد.

همین یک‌قسمتی هم که در دست مسلمان‌ها داده‌اند نتیجه مقاومتی است که این‌ها انجام دادند ولی باز هم تقسیم ناعادلانه‌ای است و غربی‌ها هم به‌شدت دنبال آن هستند، از جلوی آن همه فجایع گذشتند و خم به ابرو نیاوردند جز یکی دو قطعنامه که قبلاً ایجاد کرده بودند که به ضرر مسلمان‌ها هم بود، به‌هرحال تحمل مسلمان‌ها را ندارند.

این مسئله‌ای است که باید وجدان ما روی آن حساس باشد و توجه داشته باشیم که با کوتاه آمدن ما دشمن کوتاه نمی‌آید، دشمن مطمئن است که راه و مسیر الهی ادامه دارد و علیرغم همه مشکلات خطوط کلی محفوظ است و به همین خاطر از طرق مختلف درصدد ضربه زدن به ما است و در همه دنیا هم روی مسلمان‌ها فشار می‌آوردند برای اینکه ندای اسلام شنیده نشود.

مصر و تونس و الجزایری که اسلام آمریکایی دارند اجلاس داشتند و در آن تصمیم گرفتند که مقابل بنیادگرایی و اسلام انقلابی و اسلامی که از ایران برخاسته است و اسلام راستینی که از قرآن و اهل‌بیت ناشی شده است بایستند و همه این‌ها علائم خطر و هشدار برای ما است و برای اینکه امید به آینده داشته باشیم و راه خودمان را به فضل خداوند ادامه بدهیم.

## امربه‌معروف و نهی از منکر

امید است که عزاداری‌های ما ضمن اینکه از ریاها و اشتباهات مصون می‌شود وسیله‌ای برای احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر بشود، قیام امام حسین (ع) برای امربه‌معروف و نهی از منکر بود و مبادا که ما به‌ظاهر بپردازیم و از اهداف اصلی قیام امام حسین غافل بشویم، عزاداری امام حسین از مهم‌ترین عبادات است و مصوبات فراوان دارد ولی درعین‌حال این عزاداری برای این است که ما به روح آرمان امام حسین برسیم و از رکن‌های مهم انقلاب امام حسین امربه‌معروف و نهی از منکر است.

این فریضه الهی در هر محله و شهری باید احیاء بشود، مردم خودشان با زبان و استقامت خودشان باید در برابر تخلفات بایستند، باید با امربه‌معروف و با حضور در صحنه و نظارت عمومی مقابل انواع تخلفات ایستاد، استمرار انقلاب، تداوم این انقلاب که از عاشورا الهام گرفت و در محرم به اوج خودش رسید و به اسم امام حسین (ع) به پیروزی رسید به این است که امربه‌معروف و نهی از منکر جایگاه خودش را پیدا بکند.

همگی ما باید تصمیم بگیریم که اهل امربه‌معروف و نهی از منکر باشیم، همان چیزی که امام حسین به خاطرش به شهادت رسید، ایستادگی در برابر تخلفات و فحشاء و منکرات و کارهای ناشایسته‌ای که نسل جوان ما را از درون تهی می‌کند و می‌پوساند وظیفه ما است، اقامه نماز از اهداف مهم عاشورا است، مبادا که نماز در گرماگرم عزاداری تحت‌الشعاع قرار بگیرد، خون امام حسین برای نماز و امربه‌معروف و نهی از منکر ریخته شد، شایسته نیست که این فریضه بزرگ الهی را کوچک بشماریم.

حضور در نماز و اقامه آن باید جدی گرفته بشود. در حسینیه‌ها و مراکز عزاداری آنجاهایی که ظهر عزاداری است برای خدا و رضایت امام حسین و اقامه آن اهداف و شعائر اسلامی در همان محل نماز جماعت را اقامه بکنند.

## نکات و توصیه‌هایی پیرامون ایام عزاداری

هیئت‌ها را خالص بکنید، بی‌جهت هیئت‌ها را اضافه نکنید، آن‌هایی که هستند باهم روابط صمیمی داشته باشند، آن هدف و آرمان امام حسین فراموش نشود، مداح‌ها و نوحه‌خوان‌ها نوحه و مداحی خودشان را حساب‌شده انتخاب بکنند، از مجالس عزاداری امام حسین بهره تبلیغی و آشنایی با معارف اسلام بشود، اگر بلندگوهای شما موجب مزاحمت کسی بشود خود امام حسین هم راضی نیست و خلاف شرع و حرام است. امید است کسانی که در هیئات هستند وحدت و انسجام و پیروی از آرمان‌های امام حسین و اقامه نماز و امربه‌معروف و نهی از منکر را سرلوحه وظایف و برنامه‌های خودشان قرار بدهند.

## دعا

خدایا ما را با اهداف و آرمان‌های اباعبدالله آشنا بفرما، شهدا و امام بزرگوار ما را و علما و مراجع و بزرگان گذشته ما را در جوار شهدای کربلا جای بده، ما را پیرو آن‌ها قرار بده، خدایا مشکلات جامعه اسلامی را برطرف بفرما، خدایا بر عزت و عظمت اسلام و مسلمین بیافزای، خدایا شر دشمنان اسلام را در سراسر عالم به خودشان بازبگردان، سلام‌های خالصانه ما را در روز جمعه و در جایگاه نماز به محضر اباعبدالله الحسین و حضرت بقیّة الله الأعظم ابلاغ بفرما، بر فرج حضرت ولی‌عصر تعجیل بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعد المعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102.** [↑](#footnote-ref-2)
3. . دینوری، أبو حنیفه؛ پیشین، ص 245. [↑](#footnote-ref-3)
4. .. طبری 5/397-399؛ الاخبار الطوال 247-248؛ الارشاد 2/75-76 [↑](#footnote-ref-4)
5. . الارشاد للمفید 203؛ أعلام الوری للطبرسی 949؛ البدایه و النهایه: 8/209. [↑](#footnote-ref-5)
6. **.**. بحار الانوار ج 78، ص 116 و 117 [↑](#footnote-ref-6)
7. .. اللهوف: ۹۷ [↑](#footnote-ref-7)
8. .الثاقب فی متاقب،ص 341 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره مبارکه شعراء، آیه 277.. [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره مبارکه العصر.. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-11)